**رسول خدا (ص) فرمودند:**

 شب معراج که به سوی آسمانها عروج کردم در مسیر خویش بر گروهی برخورد کردم که لبهای ایشان را با قیچی های آتشین می بریدند و در آتش می افکندند از جبرئیل پرسیدم اینها چه افرادی هستند ؟ در پاسخ گفت سخن سرآیان و خطیبان امت شما هستند که مردم را به کارهای پسندیده می خواندند و خود غافل اند از آن و حال آنکه ایشان قرآن را تلاوت میکردند ولی از گفتارش غافل بودند.  وسائل الشیعه جلد 17 صفحه 318

**امام جعفر صادق (ع):**

1-خف الله كأنك تراه و إن كنت لا تراه فإنه يراك

چنان از خدا بترس كه گويا او را مي بيني و اگر تو او را نمي بيني او تو را مي بيند.

**2-**من زار أخاه في الله قال الله عز و جل : إياي زرت و ثوابك علي و لست أرضي لك ثوابا دون الجنة.

هر كسي كه براي خدا از برادرش ديدن كند ، خداي متعال فرمايد : مرا ديدن كردي و ثوابت بر من است و به ثوابي جز بهشت برايت خرسند نيستم.

اصول كافي ، ج 3 ، ص



### رسول اکرم،دوستی و مدارا با مردم

رسول معظّم (ص) مطابق جهان بینی اسلامی، بندگان خدا را مظهر آیات الهی می دانست و آنان را بسیار دوست می داشت و بر سعادت و هدایت آنها حریص بود. سختی های زندگی مادی و ضلالت و گمراهی قومش برای وی غم انگیز و مصیبت بار بود. به همین دلیل وقتی یک یهودی به دروغ ادعای طلب کاری می کند و او را از حرکت باز می دارد و عمامه اش را به گردن وی می پیچاند، آن حضرت عکس العمل خشونت باری نشان نمی دهد و اصحابش را نیز از تعرض به وی نهی می نماید و همین مهربانی، آن یهودی را شرم سار می کند به طوری که بی اختیار شهادتین را می گوید.

امام سجاد (ع) در خطابه شورانگیز شام می فرماید: من فرزند آن رادمردی هستم که وقتی مردم پابرهنه بودند او هم پابرهنه راه می رفت و هنگامی که آنان کفش پوش شدند او هم نعلین برای خود انتخاب نمود.

وقتی در مکه و طائف پیشانی او را شکستند، پیامبر (ص) به جای نفرین، آنان را دعا کرد و فرمود: «بار پروردگارا! قوم من لیاقت دارند و نمی فهمند، آنان را هدایت فرما». در جنگ احد پیشانی اش را شکستند، از مکه اخراجش کردند، ولی پس از فتح مکه، از ابوسفیان ها گذشت و فرمود: انتم الطلقا؛ شما آزاد هستید.

از شعب ابوطالب که آزاد شد باز هم به سراغ مردم رفت و آنان را به اسلام دعوت کرد، چرا که او طبیب دل سوزی بود که به سراغ مریض هایش می رفت و به درمان آنان می پرداخت. اینها همه نشان دهنده شرح صدر و اوج مهربانی کسی است که هیچ گاه کینه کسی را به دل نگرفت و هیچ کسی را از خود نرنجاند.

به قول امام راحل (ره) «در شدت شفقت و رأفت آن بزرگوار بر همه عائله بشری همین بس که قرآن در آیات اول سوره شعراء می فرماید: «لعلّک باخعٌ نفسک الاّ یکونوا مؤمنین»ای رسول ما! تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که می خواهی جان عزیزت را از غم ایمان نیاوردن آنان هلاک سازی».



**امام جعفر صادق،ساده زيستى و همرنگى با مردم**

امام همانند مردم معمولى لباس مى پوشيد و در زندگى رعايت اقتصاد را مى كرد. مى فرمود: بهترين لباس در هر زمان، لباس معمول همان زمان است. لذا گاه لباس نو و گاه لباس وصله‎دار بر تن مى كرد. لذا وقتى سفيان ثورى به وى اعتراض مى كرد كه: پدرت على لباسى چنين گرانبها نمى پوشيد، فرمود: زمان على عليه السلام زمان فقر و اكنون زمان غنا و فراوانى است و پوشيدن آن لباس در اين زمان، لباس شهرت است و حرام ... پس آستين خود را بالا زد و لباس زير را كه خشن بود، نشان داد و فرمود: لباس زير را براى خدا و لباس نو را براى شما پوشيده ام.

با اين همه حضرت همگام و همسان با مردم بود و اجازه نمى داد، امتيازى براى وى و خانواده اش در نظر گرفته شود. و اين ويژگى هنگام بروز بحران هاى اقتصادى و اجتماعى بيشتر بروز مى يافت. از جمله در سالى كه گندم در مدينه ناياب شد، دستور داد گندم هاى موجود در خانه را بفروشند و از همان، نان مخلوط از آرد جو و گندم كه خوراك بقيه مردم بود، تهيه كنند و فرمود: «فان الله يعلم انى واجدان اطعمهم الحنطه على وجهها ولكنى احب ان يرانى الله قد احسنت تقدير المعيشه».

خدا مى داند كه مى توانم به بهترين صورت نان گندم خانواده ام را تهيه كنم؛ اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه‎ريزى صحيح زندگى ببيند.

